

زن فریبکار کارمند بانک را به در دسر انداخت!

■ مرد ۴۰ ساله گفت: نگاه‌های شیطانی یک زن و بی بندوباری‌های اخلاقی مرا به گرداب بدبختی انداخت.

ارتباط من و شکوفه همچنان ادامه داشت تا این که فهمیدم شکوفه باردار شده است با آن که قصد داشتم مقدمات ازدواج رسمی را فراهم کنم، اما یک روز وقتی سرزده وارد خانه شکوفه شدم او را با مرد غریبه‌ای تنها دیدم در حالی که آن مرد با به فرار گذاشت، اما شکوفه به دست و پام افتاد و قسم خورد که به من خیانت نکرده است من هم به خاطر روابط عاطفی شدم، او برخلاف المیرا در این که فرزندش آسیبی نبیند او را بخشیدم، اما چند هفته بعد و در حالی که زندگی ما سرد و بی روح شده بود حادثه‌ای دیگر رخ داد. شکوفه پول رهن منزل را از صاحبخانه گرفته و به همراه نوزادش از خانه فرار کرده بود. حالا دیگر من مانده بودم و کلاه بزرگ تری که سرم بوده بودم جایی رسید که من حقوقم را برای تسویه حساب وام‌های دریافتی از بانک پرداخت می‌کردم و چیزی برای خودم باقی نمی‌ماند چند ماه بعد مادرم دختری نجیب و خانواده‌دار را برای ازدواج من انتخاب کرد و ما به صورت سنتی با هم ازدواج کردیم، اما اتفاقات تلخ و روایت گذشته‌ام تاثیر بدی در زندگی ام گذاشت به طوری که بدبینی و سوءظن در مراد رفتارهای ریشه دواند و اختلافات بین من و نازایانم آغاز شد تا جایی که او با به اجرا گذاشتن مهره‌اش از من شکایت کرد و کارمان به دادگاه کشید. ششایان ذکرت است پس از برگزاری چندین جلسه مشاوره در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری نظر مرد جوان درباره بسیاری از مسائل زندگی تغییر کرد و نازایانم نیز با وساطت بزرگ ترها از شکایت خود گذشت.



مطلقه‌ای آغاز شد که یک پسر پنج ساله داشت. از آن روز به بعد تماس‌ها و دیدارهای حضوری من و المیرا ادامه یافت به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانستم او را فراموش کنم. المیرا در حاشیه شهر و در یک کارگاه تولیدی کار می‌کرد. آن قدر دلباخته او بودم که تلاش می‌کردم مقدمات ازدواج را فراهم کنم. خلاصه یک سال بعد از این رفت و آمدها و با اولین وام ۵۰ میلیونی که از بانک گرفتم خانه‌ای در حاشیه شهر خریدم و به نام المیرا سند زدم در حالی که هیچ گونه اطلاعاتی درباره گذشته المیرا نداشتم و حتی خانواده‌اش را هم نمی‌شناختم او هم این رابطه را از خانواده اش پنهان می‌کرد تا این که مدتی بعد دیگر به تلفن هایم پاسخ نداد. وقتی به محل زندگی او رفتم تازه فهمیدم که المیرا خانه را فروخته و به مکان نامعلومی رفته است بعد از جست

گروه حوادث - از روزی که به دلیل موقعیت شغلی‌ام وارد روابط غیراخلاقی شدم نه تنها زندگی و آینده‌ام از هم پاشید بلکه مبلغ هنگفتی را نیز از دست دادم. این‌ها بخشی از اظهارات مرد ۴۰ ساله‌ای است که در بی شکایت همسرش به کلانتری احضار شده بود. این مرد جوان با بیان این که نگاه‌های شیطانی یک زن و بی بندوباری‌های اخلاقی مرا به گرداب بدبختی انداخت درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: در یک خانواده متوسط به دنیا آمدم و روزگاری را در شمال کشور سپری کردم. پدرم قتل معمولی و مادرم خانه‌دار بود. وقتی در یکی از رشته‌های علوم ریاضی از دانشگاه دانش اموخته شدم به مشهد آمدم و در یکی از بانک‌های دولتی استخدام شدم هنوز چند هفته بیشتر از آغاز کارم در یکی از بانک‌های حاشیه شهر نگذشته بود که روزی پشت بام محل کارم با زن جوانی برخورد کردم که رفتاری طناز گونه داشت و سعی می‌کرد مرا با کلمات و جملات محبت آمیز خطاب کند. آن روز وقتی امور بانکی آن زن جوان را انجام دادم او شماره تلفنش را روی میز گذاشت و از بانک خارج شد. آن زمان ۲۴ سال بیشتر نداشتم و نمی‌توانستم لحظه‌ای به آن زن فکر نکنم در حالی که تکه کاغذ شماره تلفن را دور انگشتم می‌پیچاندم تصمیم خودم را گرفتم و به «المیرا» زنگ زدم این گونه بود که رابطه غیراخلاقی من با زن

داستان تصویر مخوف «مو مو» را بخوانید

مجمعه جالش‌ی به پا کند یا کسی را بترساند حتی در زمان نمایش مجسمه کسی زیاد مجذوب آن نشد. او به ژاپن تایمز گفته بود: «خودم بچه دارم و به خویشی نگرانی پدر و مادرها را درک می‌کنم. البته نمی‌توانم خوشحالی خودم را از دیده شدن کارم در سطح جهانی پنهان کنم اما از آن‌ها که پشت این پدیده‌های مجازی هستند خواهش می‌کنم که در استفاده از این تصویر احتیاط به خرج دهند.» آیسو تنها هنرمندی نیست که نگاه کردن به اثرش ترس را در وجود انسان زنده می‌کند. بسیاری دیگر از هنرمندان هستند که هر کدام جلوه‌ای از ترس را با هنرشان نمایان کرده‌اند.

اندی وارمول و صندلی

فصلی نقش گیر که قرار حس لحظه‌های پایانی زندگی فردی محکوم به اعدام را منتقل کند. هراس جلوه‌گر در «صندلی الکتریکی» اندی وارمول از جنسی دیگر است. «صندلی الکتریکی» بخشی از مجموعه «مرگ و فاجعه» اندی وارمول است که داستانشان از سال ۱۹۶۲ آغاز شد. او با خلق این مجموعه در پی آزمودن نظری درباره نمایش تصاویر فاجعه بود. او در این باره گفته بود: «وقتی تصاویر خوفناک را بارها تماشا می‌کنید، به راستی دیگر تاثیری بر شما نخواهند داشت.»

اسطوره‌های ترسناک از یونان باستان

یکی از نقاشی‌های مشهور پتر پل روبنس تصویری خوفناک از پیرمردی

گروه حوادث - چهره ترسناکی که به نام «مو مو» که در فضای شبایات شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود در حقیقت اثری هنری است. چهره مخوفی داشت. زنی با چشم‌های از حدقه بیرون زده که در شبایات فضای مجازی کودکان را تهدید می‌کرد و آن‌ها را به کارهای خطرناک وامی‌داشت. «مو مو» مجسمه‌ای بود که در کارگاه هنرمندی ژاپنی ساخته شد. در افسانه‌های عامیانه ژاپنی موجوداتی خیالی به نام یوکای وجود دارند که هر کدام ماجرابی برای گفتن همین داستان‌ها گاهی منشا خلق آثاری هنری می‌شوند که مجسمه خوفناک «مو مو» یکی از آن‌ها است.



در خواست تقسیط دیه برای قتل رقیب عشقی

قبض شدند. سپس مریم به عنوان مظلم مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: من و رضا از بیجگی باهم آشنا بودیم و در نوجوانی به هم علاقه‌مند شدیم، اما بعد از چند سال که بزرگتر شدیم رفتار رضا تغییر کرد و با کارهایی که می‌کرد اعتماد به نفسم را به کلی گرفته بود. مدام تحقیر می‌کرد و حرف‌هایی می‌زد تا فکر هیچ مردی از من خوشش نمی‌آید و تنها کسی که من را تحمل می‌کند او است. تا اینکه با سعید آشنا شدم او رفتارهایش کاملاً برعکس رضا بود به من اعتماد به نفس داد و محبت کرد به همین خاطر به او دل‌بستم و قصد داشتم که با او ازدواج

قصص شدند. سپس مریم به عنوان مظلم مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: من و رضا از بیجگی باهم آشنا بودیم و در نوجوانی به هم علاقه‌مند شدیم، اما بعد از چند سال که بزرگتر شدیم رفتار رضا تغییر کرد و با کارهایی که می‌کرد اعتماد به نفسم را به کلی گرفته بود. مدام تحقیر می‌کرد و حرف‌هایی می‌زد تا فکر هیچ مردی از من خوشش نمی‌آید و تنها کسی که من را تحمل می‌کند او است. تا اینکه با سعید آشنا شدم او رفتارهایش کاملاً برعکس رضا بود به من اعتماد به نفس داد و محبت کرد به همین خاطر به او دل‌بستم و قصد داشتم که با او ازدواج



جلسه اولیای دم خواستار صدور حکم استان تهران فرستاده شد. در ابتدای این

خواستار تا از زندگی ما بیرون برود، اما او دست بردار نبود. سعید زن و بچه داشت و من وقتی این موضوع را به مریم گفتم باور نکرد. به همین خاطر با او قرار گذاشتم تا مشکل‌مان را حل کنم. وقتی به خانه‌اش رفتم و دیدم که او قصد جدایی از مریم را ندارد تهدیدش کردم که موضوع را به همسرش می‌گویم که او عصبانی شد و با چاقو من را حمله کرد و من هم در دفاع از خودم او را زدم که فوت کرد. بعد هم از خانه‌اش خارج شدم. پس از اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات کیفرخواست علیه او صادر و پرونده‌اش به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری

گروه حوادث - جوانی که رقیب عشقی‌اش را به قتل رسانده و در یک قدمی قصاص قرار گرفته بود، پس از جلب رضایت اولیای دم با عده پر داختم دیه نتوانست از اعدام نجات پیدا کند. رسیدگی به این پرونده از ۳ سال قبل با گزارش قتل جوانی که در خانه‌اش تنها بود آغاز شد. در ادامه تحقیقات پلیس متوجه شد که مقتول سعید ۳۵ ساله قبل از جنایت با دختری به نام مریم ارتباط داشته است. به این ترتیب مریم احضار شد و در بازجویی به مأموران گفت: چند ماهی بود که من و سعید باهم دوست شده بودیم

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir



خدمات خرید و فروش و ...

خرید ضایعات فلزی در اسرع وقت با بالاترین قیمت
روحي ۰۹۳۴۷۶۹۳۷۵۸

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

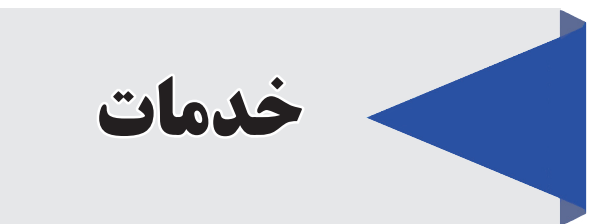
متقاضی آشپز تخته کار خانم با آقا و تعدادی نیرو با روابط عمومی بالا جهت کار در کافه رستوران
شماره تماس: ۰۹۱۶۲۱۲۲۴۸۸



استخدام

یک شرکت معتبر بازرگانی
به یک نفر فروشنده خانم حرفه‌ای با تجربه و روابط عمومی بالا جهت تکمیل کادر فروش خود در فرودگاه کیش نیازمند است
مزایا: حقوق + پورسانت + بیمه + ایاب + ذهاب + حق مسکن
تلفن: ۰۲۱۸۸۰۴۴۹۰۰
admin@irest.ir

سوپرمیوه سوئیا
گوجه فرنگی ۳۵۰۰ ت هندوانه ۲۳۰۰ ت
موز ۱۷۰۰۰ ت پیاز، سیب زمینی ۴۰۰۰ ت
میوه های تازه و ارزان
فاز F، خدماتی جنب عکاسی رخساره ۰۹۳۵۸۷۵۹۴۸۰ واتساپ



خدمات



مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۹۰۷۵/۰۱ به نام محمد ساطعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وبسایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

به یک نفر مدیر مالی خانم با سابقه کار جهت کار در هتل ۴ ستاره نیازمندیم
شماره تماس: ۰۱۲-۴۴۴۶۷۴۰۰

استخدام منشی
آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر) شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) دو شیفت مجزا

استخدام گرافیس
گرافیس آشنا با فتوشاپ و این دیزاین جهت کار در یک مؤسسه مطبوعاتی مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۴۹۹۹

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۱۸۵۱/۰۱ به نام هاله قزلباش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

خدمات تأسیسات، آب، برق، فاضلاب و تعمیرات ساختمان (کلی و جزئی)
با سابقه سال‌ها امور تأسیساتی در جزیره کیش
کمالی ۰۹۳۴۷۶۸۲۰۵۴

نیازمندیهای اقتصاد کیش تلفنی آگهی می‌پذیره
۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش

اماکن قرنطینه‌ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه‌ها و ...
با مه پاش‌های سرد - فوری

ضد عفونی

